

دکتر پری فیلیپس، مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی جلسه ۱، سرزمین بین

این مجموعه شش سخنرانی در مورد جغرافیای تاریخی اسرائیل توسط دکتر پری و الین فیلیپس، که سال‌ها در کالج دانشگاه اورشلیم در کوه صهیون در اورشلیم تدریس کرده‌اند، ارائه خواهد شد. دکتر پری فیلیپس این مجموعه را با سخنرانی در مورد اسرائیل به عنوان سرزمینی بین... معرفی خواهد کرد.

من پری فیلیپس هستم. من مجموعه‌ای از دوره‌های جغرافیای تاریخی را تدریس می‌کنم. این اولین دوره است، سرزمین بینابین، چرا سرزمین اسرائیل؟

سرزمین اسرائیل در مطالعات کتاب مقدس بسیار مهم است و ما می‌خواهیم در این سخنرانی بحث کنیم که چرا این قطعه کوچک از زمین که تقریباً به اندازه ورمونت است، برای تاریخ کتاب مقدس بسیار مهم است. من بارها جغرافیای تاریخی را اینجا در کالج گوردون و همچنین در کالج دانشگاه اورشلیم در اورشلیم، اسرائیل تدریس کرده‌ام. بنابراین، اولین سخنرانی، سرزمین بین، چرا سرزمین اسرائیل.

این نقشه اسرائیل است. اگر بخواهید آن را با چیزی در ایالات متحده مقایسه کنید، تقریباً به اندازه ورمونت یا شاید به اندازه نیوجرسی است، تقریباً به همان اندازه. و یک سؤالی که می‌خواهیم در این سخنرانی بررسی و به آن پاسخ دهیم این است که چرا اسرائیل اینقدر مهم است.

خب، اول از همه، بیاید اسرائیل را در چارچوب خاورمیانه قرار دهیم. نقشه بسیار آشنایی است، و ما به این قطعه کوچک از زمین که همین جاست علاقه‌مندیم. همانطور که قبلاً اشاره کردم، در مقایسه با بقیه خاورمیانه بسیار کوچک است.

اگر از یونان تا عربستان سعودی بروید و سپس به اینجا، ترکیه و مصر بروید، متوجه می‌شوید که اسرائیل به نوعی در یک دوراهی قرار دارد و خواهیم دید که این وضعیت چگونه خود را نشان می‌دهد. اول از همه سرزمین بین این دو، سرزمینی بین دریا و صحرا است. در کنار دریا، ما در مورد دریای مدیترانه صحبت می‌کنیم.

در غرب و سپس در شرق، صحرای عربستان سعودی را داریم که در این منطقه قرار دارد. اما می‌خواهیم بین آنچه در دریا پیدا می‌کنیم و آنچه در صحرا پیدا می‌کنیم، تضادی برقرار کنیم. اول از همه، دریا، ما به خنکی نسیم و رطوبت فکر می‌کنیم، و این کاملاً در تضاد با صحرا است که گرم و نسیم و خشک است.

و تلافی آن انواع مختلف اجرام، یکی گرم و خشک و دیگری سرد و مرطوب، الگوهای آب و هوایی بسیار جالبی را به سرزمین اسرائیل می‌دهد. نکته دیگری که می‌خواهیم قبل از پرداختن به جزئیات بیشتر در مورد آن بحث کنیم این است که اسرائیل بخشی از هلال حاصلخیز است. و دلیل اینکه به این هلال حاصلخیز می‌گویند این است که اگر زمین‌های زراعی را دنبال کنید، یعنی زمینی که مردم می‌توانند در آن کشاورزی کنند، کمی شبیه هلال ماه است، اگر دوست دارید، کمی شبیه هلال ماه.

و چیزی که ما متوجه می‌شویم این است که انواع مختلفی از کشاورزی در این منطقه وجود دارد. اول از همه اگر به منطقه بین‌النهرین نگاهی بیندازید، جایی که رودخانه‌های دجله و فرات پرآب هستند، چیزی که می‌بینید آبیاری است، روشی که کشاورزی از طریق آن انجام می‌شود. مقدار باران در قسمت شمالی می‌بارد، اما عمدتاً از طریق آبیاری و کانال‌های آبیاری است.

و این در مصر، در این منطقه از دلتای نیل نیز صدق می‌کند. با این حال، در این بین، در این منطقه از اسرائیل، این منطقه از شام، که نه تنها شامل اسرائیل، بلکه شامل لبنان و سوریه امروزی نیز می‌شود، آنچه داریم باران است، نه آبیاری. و این آیه جالبی را به ذهن متبادر می‌کند.

تثنیه فصل ۱۱، آیه ۱۱، می‌گوید، سرزمین کوه‌ها و دره‌هایی که از آسمان باران می‌نوشند. و این توصیفی است که ما در تثنیه برای سرزمین اسرائیل داریم. خب، همانطور که گفتیم، پیوند بین آب خنک و مرطوب و بیابان گرم و خشک این است که ما الگوهای آب و هوایی جالبی در اسرائیل داریم.

اول از همه، بیایید الگوی باد روزانه را بررسی کنیم. معمولاً اتفاقی که می‌افتد به شرح زیر است: با طلوع خورشید و شروع به گرم کردن منطقه، متوجه می‌شوید که بیابان بیشتر از آب گرم می‌شود.

و در نتیجه آن، هوا در بیابان شروع به بالا رفتن می‌کند. خب، همینطور که هوا بالا می‌رود، هوا باید از جایی وارد شود، و جایی که از آنجا وارد می‌شود اقیانوس است. بنابراین به طور کلی، چیزی که در یک روز عادی دارید این است که صبح زود، همه چیز نسبتاً آرام است، اما سپس وقتی خورشید شروع به گرم کردن منطقه بیابانی می‌کند، نسیمی از اقیانوس می‌آید و جای هوایی را که در حال بالا رفتن است می‌گیرد.

و بنابراین اگر در ساحل اسرائیل باشید، حدود ساعت ۱۰ نسیم دریا شروع به وزیدن می‌کند. خب، اهمیت آن چیست؟ اهمیت آن این است که هوا شروع به خنک شدن می‌کند. و بنابراین منطقه اطراف اسرائیل به دلیل نسیم دریایی که می‌وزد، در طول روز خنک می‌ماند.

و اگر در ساحل باشید، مثلاً تل‌آویو، حدود ساعت ۱۰، نسیم دریا را تجربه خواهید کرد. اگر در اورشلیم باشید، که حدود ۳۰ تا ۴۰ مایل دورتر است، حدود ظهر، نسیم دریا را تجربه خواهید کرد. و اگر در عمان، در ماوراء اردن باشید، بعدازظهر نسیم دریا را تجربه خواهید کرد.

اما نکته اصلی این است که در طول روز به دلیل افزایش هوا در بیابان، هوا شروع به خنک شدن می‌کند. با این حال، گاهی اوقات این وضعیت تغییر می‌کند. و چیزی که ما داریم وضعیتی است که در آن هوایی که از اقیانوس وارد می‌شود مسدود می‌شود و چیزی داریم که در عربی به عنوان خمسین یا در عبری به عنوان شوراو شناخته می‌شود.

و اساساً اتفاقی که می‌افتد این است که در نتیجه این انسداد، به جای اینکه هوای خنک و مطبوع از اقیانوس و دریای مدیترانه وارد شود، هوای گرم و خشک و غبارآلود از صحرا وارد می‌شود. و جالب است که در فصل چهارم ارمیا می‌بینیم که خداوند چگونه از خمسین به عنوان نشانه‌ای از نحوه برخورد خداوند با بنی‌اسرائیل استفاده می‌کند. او در مورد بابلی‌هایی صحبت می‌کند که قرار است وارد شوند و زندگی را برای بنی‌اسرائیل بسیار دشوار کنند.

و در باب ۴ ارمیا، به آیات ۱۱ و ۱۲ نگاه می‌کنم، و او می‌گوید: در آن زمان به این قوم در اورشلیم گفته خواهد شد که باد سوزانی از ارتفاعات برهوت بیابان به سوی قوم من خواهد وزید، اما نه برای غربال کردن یا تظهير. بادی خیلی قویه که این از من میاد. حالا این اتفاقیه که در طول شوراو میفته.

به طور معمول، کاری که مردم انجام می‌دهند این است که از باد ملایمی که از اقیانوس می‌آید برای باد کردن غلات خود استفاده می‌کنند. منظور ما این است که کاه و غلات به هوا پرتاب می‌شوند. و از آنجایی که کاه بسیار سبک‌تر از دانه است، کاه با باد برده می‌شود و آنچه باقی می‌ماند دانه است.

کار دیگری که مردم، حتی در اسرائیل امروزی، انجام می‌دهند این است که رختخواب‌هایشان را برمی‌دارند و روی بالکنشان می‌اندازند و آنها را می‌کوبند تا گرد و غبارشان پاک شود و باد آنها را ببرد. با این حال، مشکل این است که این باد بیابانی که می‌آید، گرم، غبارآلود و شدید است؛ نمی‌توان باد را نکاند، نمی‌توان از باد برای پاکسازی استفاده کرد. و این نشانه‌ای از این است که از نظر سیاسی، وقتی بابلی‌ها علیه مردم اسرائیل وارد عمل شوند، اوضاع در اسرائیل چگونه خواهد بود.

خب، این خمسین است. من در خمسین‌های زیادی بوده‌ام. آنها بدبخت هستند.

بعضی وقت‌ها یک یا دو روز طول می‌کشند. یک بار، حدود دو هفته طول کشید، و در پایان، حدود روز سوم افراد بدخلق و تحریک‌پذیر می‌شوند، و این یک وضعیت اسفناک است. خوشبختانه، خیلی بیشتر از آنچه که هستند، دوام نمی‌آورند.

ما همچنین به دلیل جغرافیای اسرائیل و نزدیکی آن، باز هم، بین بیابان و اقیانوس، الگوهای بارندگی جالبی در اسرائیل داریم. و من می‌خواهم بخشی از تثنیه، فصل ۱۱ را بخوانم که نشان می‌دهد این موضوع چیست همانطور که در اسلاید قبلی اشاره کردم، اسرائیل با زمین‌های اطراف آن متفاوت است، زیرا اسرائیل به باران وابسته است و نه به آبیاری.

و خداوند این را در نظر می‌گیرد وقتی که سرزمین اسرائیل را در فصل ۱۱ تثنیه توصیف می‌کند. و این فصل بسیار مهمی است که زمینه را برای آنچه بعداً خواهیم گفت، فراهم می‌کند. بنابراین می‌خواهم کل متن را بخوانم.

باز هم، تثنیه فصل ۱۱، آیات ۸ تا ۱۷. خداوند از طریق موسی به بنی‌اسرائیل می‌گوید، پس تمام دستوراتی را که امروز به شما می‌دهم، رعایت کنید تا قدرت داشته باشید وارد سرزمینی شوید که برای تصرف آن از اردن عبور می‌کنید و آن را تصرف کنید. و تا در سرزمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورد که به آنها و فرزندانشان بدهد، عمر طولانی داشته باشید.

سرزمینی که در آن شیر و عسل جاری است. کمی بعد به آن برمی‌گردم. اما نکته‌ی اساسی اینجاست.

سرزمینی که برای تصرف آن وارد می‌شوید، مانند سرزمین مصر که از آن آمده‌اید، نیست، جایی که بذر خود را کاشتید و آن را با پای پیاده مانند باغ سبزیجات آبیاری کردید. اما سرزمینی که برای تصرف آن از اردن عبور می‌کنید، سرزمینی از کوه‌ها و دره‌ها است که از آسمان باران می‌نوشد. بگذارید لحظه‌ای مکث کنم.

آبیاری باغ‌هایشان در مصر، این چه معنایی می‌توانست داشته باشد؟ خب، آبیاری بوده است. باران نمی‌باریده است. و بنابراین، وقتی از آبیاری زمین با پا صحبت می‌شود، احتمالاً اشاره به چرخ آبی دارد.

شاید یک چرخ آبی که روی آن قرار می‌گیرد، کمی شبیه دوچرخه، و چرخ سطل‌هایی دارد که آب را از کانال آبیاری می‌گیرد و آن را به باغ سبزیجات یا هر منطقه‌ای که می‌خواهند آبیاری کنند، تخلیه می‌کند. احتمال دیگر این است که، از آنجایی که خاک اطراف نیل در مصر شنی است، منظور خداوند ممکن است حفر یک کانال کوچک با پای خود باشد و سپس، وقتی آن قسمت از باغ آبیاری شد، پای خود را بردارید، خاک را به داخل آن کانال بریزید و کانال دیگری حفر کنید. با این حال، نکته این است که زمینی که آنها وارد آن می‌شوند متفاوت است.

سرزمینی که آنها وارد آن می‌شوند، سرزمینی است که از آسمان باران خواهد نوشید. این سرزمین به آبیاری وابسته نیست. به جریان آرام رود نیل که همیشه آنجاست و آب را فراهم می‌کند، وابسته نیست.

و بنابراین خداوند ادامه می‌دهد، و او موارد زیر را می‌گوید، و من از آیه ۱۲ شروع می‌کنم. این سرزمینی است که خداوند، خدای شما، از آن مراقبت می‌کند. چشمان خداوند، خدای شما، از آغاز سال تا پایان آن، پیوسته بر آن است.

بنابراین اگر با ایمان از دستوراتی که امروز به شما می‌دهم پیروی کنید تا خداوند، خدای خود را دوست داشته باشید و با تمام قلب و جان خود به او خدمت کنید، آنگاه باران را در فصلش به سرزمین شما خواهم فرستاد، هم باران‌های پاییزی و هم باران‌های بهاری. ترجمه‌ی بین‌المللی جدید اینگونه است. به معنای واقعی کلمه، منظور باران‌های آخر و باران‌های اول است.

این باران‌ها در پاییز و بهار می‌بارند. و او می‌گوید خداوند این باران‌ها را خواهد فرستاد تا شما بتوانید غله، شراب تازه و روغن خود را جمع‌آوری کنید. من در مزارع برای دام‌های شما علف فراهم خواهم کرد و شما خواهید خورد و سیر خواهید شد.

سپس او ادامه می‌دهد و می‌گوید مراقب باشید وگرنه وسوسه خواهید شد که برگردید و خدایان دیگر را پرستش کنید و در برابر آنها تعظیم کنید. آنگاه خشم خداوند بر شما شعله‌ور خواهد شد و آسمان‌ها را خواهد بست تا باران نبارد و زمین هیچ محصولی ندهد و شما به زودی از سرزمین خوبی که خداوند به شما می‌دهد، هلاک خواهید شد. می‌بینید چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ خداوند کسی است که قرار است باران را کنترل کند و چگونگی بارش باران به اطاعت مردم بستگی دارد.

خب، باران، بله، اما ما شب‌نم هم داریم. شب‌نم به عنوان یک جنبه مهم در آبیاری برخی از گیاهان در اسرائیل شناخته می‌شود. شب‌نم زمانی ایجاد می‌شود که نسیم خنک و مرطوب از اقیانوس می‌وزد و سپس در شب، آب حاصل از آن نسیم‌ها متراکم شده و روی زمین شب‌نم تشکیل می‌دهد.

و این به جنبه‌ی مهمی از آبیاری اسرائیل نیز تبدیل می‌شود. و ما همچنین در کتاب مقدس برخی تشبیهات معنوی را می‌یابیم که با الگوی بارانی که شما دارید و شب‌نم سروکار دارند. به عنوان مثال، در امثال ۱۹، در مورد یک پادشاه صحبت می‌شود و می‌گوید خشم پادشاه مانند شیر غران است، و لطف او مانند شب‌نم بر روی علفزار است.

و در عاموس فصل ۱ آیه ۲، عاموس می‌گوید خداوند از صهیون رعد می‌فرستد و علف‌های کوه کرمل خشک می‌شوند. همانطور که در چند لحظه دیگر خواهید دید، علف‌های کوه کرمل به سختی خشک می‌شوند زیرا همیشه در آن منطقه از کشور شب‌نم و باران شدید وجود دارد. نکته‌ای که من مطرح می‌کنم این است که الگوهای آب و هوایی جالبی در اسرائیل وجود دارد و خداوند این الگوهای آب و هوایی را بر اساس اطاعت مردمی که در آنجا زندگی می‌کنند، هدایت می‌کند.

این کل نکته‌ی باب ۱۱ تثنیه است. خب، من چیزی در مورد بارندگی گفتم. اجازه دهید کمی بیشتر در مورد آن صحبت کنم.

این یک نقشه بارندگی است که داریم، و میانگین بارندگی در بوستون برای مقایسه ۴۲ اینچ در سال است. باز هم، این میانگین است. چند نکته در مورد این نقشه وجود دارد که باید به آنها توجه کرد.

اول از همه، اگر به قسمت شمالی کشور بروید، در این منطقه، اینجا منطقه کوه هرمون است. این کوه هرمون است، اینجا کوه کارمل است، و اورشلیم (بیت‌المقدس) برای مرجع درست در این منطقه است. اگر

عرض جغرافیایی می‌خواهید، اورشلیم تقریباً در همان عرض جغرافیایی آتلانتا، جورجیا، اینجا در ایالات متحده است.

اما حتی در این منطقه مرتفع‌تر، منطقه شمالی، منطقه مرتفع‌تر اسرائیل، در اطراف کوه هرمون، میزان بارندگی در آنجا فقط حدود ۲۵ اینچ است. بنابراین حتی در آن منطقه، چیزی که می‌بینید این است که بارندگی کمتر از میزان بارندگی در بوستون است. اگر به قسمت جنوبی، به بئر شبع بروید، کاری که من انجام می‌دهم اساساً رفتن، از دان به بئر شبع است، که نقاط پایانی چیزی هستند که کتاب مقدس عموماً به عنوان سرزمین اسرائیل، شمال و جنوب، توصیف می‌کند.

در بئر شبع، اگر کسی خوش‌شانس باشد که سالانه هشت اینچ باران ببارد، می‌تواند این کار را انجام دهد. هشت اینچ اساساً نقطه تلاقی بارندگی است. هشت اینچ و بالاتر، می‌توانید کشاورزی معقولی داشته باشید؛ هشت اینچ و پایین‌تر.

معلوم شد که کشاورزی نسبتاً دشوار است. اما اینها افراط و تفریط هستند. یکی از مناطقی که می‌خواهیم بررسی کنیم اورشلیم است و اورشلیم فقط حدود 22 اینچ در سال بارندگی دریافت می‌کند.

بد نیست، و مقدار خوبی آب برای کشاورزی فراهم می‌کند. اینجا در کوه کرمل، که در رابطه با فصل اول عاموس به آن اشاره کردم، کوه کرمل قله‌ای از زمین است که به نوعی به مدیترانه منتهی می‌شود، و در آنجا نیز حدود 20 اینچ باران می‌بارد. یکی از مناطق اسرائیل، دره ریفت یا دره اردن است که دریای مرده در آن واقع شده است.

و اگر نگاهی به اریحا، که درست در شمال دریای مرده است، ببیند، معلوم می‌شود که آنها سالانه حدود پنج اینچ باران می‌بارند. آنجا به ندرت باران می‌بارد. من یک داستان جالب دارم که یک زمستان برایم اتفاق افتاد.

یه روز تقریباً بارونی بود، و من داشتم سعی می‌کردم بعضی از مناظر تپه‌های اطراف رو به مردم نشون بدم، اما «خیلی بارونی بود. برای همین گفتم:» ببینید، بیایید این موضوع رو فراموش کنیم. بریم اریحا

بیایید به دره اردن برویم و فقط وقتمان را آنجا بگذرانیم، چون آنجا هیچ‌وقت باران نمی‌بارد. بنابراین به اریحا رسیدیم و درست زمانی که آماده پیاده شدن از اتوبوس بودیم، یکی از شدیدترین رعد و برق‌هایی که تا به حال در عمرم دیده‌ام را تجربه کردیم. نیازی به گفتن نیست که در بقیه سفر، پایان آن را نشنیدم.

هی پری، آیا تا به حال در اریحا باران می‌بارد؟ نکته جالب در مورد آن هم این است که بعد از آن، یکی از باشکوه‌ترین رنگین‌کمان‌هایی که تا به حال در زندگی‌ام دیده‌ام، بارید. و البته، این ما را به یاد آنچه خداوند پس از طوفان به نوح گفت، می‌اندازد، جایی که می‌گوید رنگین‌کمان را خواهد دید و عهد خود را با تمام آفرینش به یاد خواهد آورد که دیگر هرگز طوفانی نفرستد. به هر حال، آنجا دره اردن است.

و اگر از دره اردن به سمت شرق برویم، اردن امروزی چیست؟ اینها کوه‌های ماوراء اردن هستند. در واقع می‌توانیم بارندگی‌هایی تا حدود 30 اینچ یا بیشتر داشته باشیم. بنابراین متوجه یک نکته کلی در مورد بارندگی در اسرائیل خواهید شد.

هر چه به سمت شمال و ساحل بروید، میزان بارندگی افزایش می‌یابد. هر چه به سمت جنوب و شرق بروید، میزان بارندگی کاهش می‌یابد، البته به جز ارتفاع. بنابراین اگر منطقه مرتفعی داشته باشید، حتی اگر در شرق باشد، مانند این منطقه از اردن، هنوز هم می‌توانید میزان بارندگی نسبتاً خوبی داشته باشید.

بنابراین، برای تعمیم، به سمت شمال، غرب و ارتفاعات بالاتر بروید، مقدار زیادی باران خواهید داشت. اگر به سمت شرق و جنوب و ارتفاعات پایین‌تر بروید، مثلاً به سمت دریای مرده، خب، در برخی مناطق، اگر خوش شانس باشید، حتی می‌توانید دو اینچ باران در سال داشته باشید. بنابراین این یک الگوی کلی بارندگی است که در اسرائیل وجود دارد.

حالا، اگر دوست داشته باشید، به اتفاقات آب و هوایی و اقلیمی اشاره کردم. همچنین موقعیت‌های سیاسی مختلفی وجود دارد که توسط افرادی که از اقیانوس، دریای جلیل یا صحرا می‌آیند، رخ می‌دهد. بنابراین در اینجا برخی از سیاست‌های دریایی آورده شده است.

اینها مردمی هستند که از طریق دریا به خشکی آمده و آن را فتح کرده‌اند. فنیقی‌ها عمدتاً در جایی که لبنان امروزی است، ساکن شدند. دریانوردان بزرگی بودند.

بعدها، فلسطینی‌ها، احتمالاً از برخی از جزایر یونان یا از خود یونان، به سواحل اسرائیل آمدند و در امتداد آن ساکن شدند. در واقع، این فلسطینی‌ها بودند که نامی را به مکانی که امروزه آن را فلسطین می‌نامیم، دادند. یونانی‌ها، به ویژه با اسکندر کبیر، وارد شدند.

رومی‌ها، به رهبری پمپی در سال ۶۳ پیش از میلاد، آمدند و این سرزمین را فتح کردند. و البته، در عهد جدید می‌خوانیم که این رومی‌ها بودند که در آن زمان واقعاً بر سرزمین اسرائیل حکومت می‌کردند. بعدها، صلیبیون آمدند و سعی کردند سرزمین مقدس را از فتوحات مسلمانان پس بگیرند.

انگلیسی‌ها آنجا بودند. ژنرال آلنبی در سال ۱۹۱۷ این سرزمین را از ترک‌ها فتح کرد و تحت قیمومیت بریتانیا درآمد. فرانسوی‌ها کمی زودتر در زمان ناپلئون آنجا بودند.

و آلمانی‌ها در طول جنگ‌ها. و در نهایت، مردم می‌گویند حتی اسرائیلی‌ها، تعدادی از آنها که از غرب آمده‌اند بنابراین آنها فرهنگ و سیاست خودشان را می‌آورند، و این نفوذ سیاسی است که شما در اسرائیل دارید که از دریا می‌آید.

دریا بنامیم چه می‌توانیم بگوییم؟ جهان‌وطن‌تر، مترقی‌تر، شاید کمی لیبرال‌تر اگر از یک اصطلاح مدرن برای آنها استفاده کنیم. در اینجا چند نمونه از آنچه در جایی که مردم دریا بر اسرائیل حکومت می‌کنند، می‌گذرد، آورده شده است. ما یک داستان بسیار جالب داریم.

بگذارید فقط توضیح بدهم. سامسون قرار است با یک زن فلسطینی ازدواج کند. این کاملاً درست از آب در نمی‌آید.

اما بعداً، اگر او را ترک کند، بعداً می‌رود تا او را پس بگیرد. او متوجه می‌شود که او با شخص دیگری ازدواج کرده است. بنابراین کاری که او انجام می‌دهد این است که تعدادی روباه را می‌گیرد، دم‌هایشان را به هم می‌بندد، مشعلی در دم‌هایشان قرار می‌دهد و سپس آنها را در مزرعه می‌دود تا مزارع فلسطینیان را بسوزانند.

برای فرار از فلسطینی‌ها به مکانی در یهودا می‌رود. و فلسطینی‌ها به مردم یهودا می‌آیند و می‌گویند: «ما: سامسون را می‌خواهیم»

و بنابراین آنها می‌روند تا شمشون را بگیرند تا او را به فلسطینیان تحویل دهند. و این آیه‌ی اساسی است. و این داوران، فصل ۱۵، آیات ۹ تا ۱۱ است.

آنها نزد سامسون می آیند و به او می گویند: سامسون، مگر نمی دانی که فلسطینیان بر ما حکومت می کنند؟ بنابراین در اینجا مردمی از دریا داریم که می آیند و بر بنی اسرائیل حکومت می کنند. همانطور که معلوم می شود. سامسون با گرفتن استخوان فک یک الاغ و کشتن فلسطینیانی که برای دستگیری او می آیند، می تواند فرار کند. در اول سموئیل فصل ۱۳، دوباره بین فلسطینیان و بنی اسرائیل مشکل داریم.

و بخشی از مشکل این بود که فلسطینیان توانایی کار با آهن را داشتند. بنی اسرائیل این توانایی را نداشتند. و بنابراین، متالورژی آهن مورد نظر فلسطینیان بود تا جایی که به بنی اسرائیل حتی اجازه داشتن ابزار آهنی را هم نمی دادند.

. و اگر آنها ابزاری داشتند، بنی اسرائیل باید پایین می آمدند و ابزارهایشان را توسط فلسطینیان تیز می کردند. فقط به عنوان یک نکته فرعی، همانطور که به یاد دارید، داوود مدتی را با فلسطینیان گذراند. و ممکن است که خود داوود سپس متالورژی آهن و کار با آهن را آموخته و آن دانش را به اسرائیل آورده باشد، زیرا مطمئناً بعدها اسرائیل نیز آهن داشته است.

در فصل یازدهم یوحنا، فریسیان به همراه صدوقیان در حال بحث و گفتگو هستند و نمی دانند با عیسی چه کنند، زیرا احساس می کنند که او با فریادها و تعالیمش، قوم اسرائیل را به خطر می اندازد. و می خوانیم که کاهن اعظم در آن لحظه می گوید، آیا نمی دانید اگر ما کاری در مورد عیسی انجام ندهیم، رومیان می آیند و سرزمین ما را از ما می گیرند؟ و سرانجام، در فصل یازدهم اعمال رسولان، دوباره شاهد کنترلی هستیم که رومیان بر سرزمین اسرائیل داشتند.

کرنلیوس در قیصریه است، و این داستانی است که پس از رفتن پطرس به قیصریه و موعظه انجیل به کرنلیوس رخ می دهد. پس نکته اینجاست؟ نکته این است که همانطور که از نظر آب و هوا، دریا می تواند بر آنچه از نظر آب و هوا در سرزمین اسرائیل می گذرد، تسلط داشته باشد، مردمی که از دریا می آیند، همانطور که من آنها را مردمان دریا می نامم، بر زمین نیز تسلط دارند. خوب، اگر از دریا تسلط دارید، احتمالاً از بیابان نیز تسلط دارید.

. و ما درباره تعدادی از مردم بیابان می خوانیم که به اسرائیل فشار آوردند و گاهی اوقات اسرائیل را فتح کردند. بنابراین سیاست از بیابان، درباره موآبیان از سرزمین موآب می خوانیم. به یاد داشته باشید، موآب یکی از پسران لوط بود.

ما درباره ادومی ها که از نسل اسماعیل، یکی از پسران اسحاق، هستند، می خوانیم. ما عمونی ها را داریم که آنها نیز از فرزندان لوط هستند. عملیاتی ها که در بخش جنوبی اسرائیل در بیابان زندگی می کردند و گاهی اوقات به اسرائیل حمله می کردند.

قینی ها، مدیانی ها، آمونیت ها را داریم، و البته، نمی توانیم موریهانی را که آنجا بودند فراموش کنیم. بنابراین در هر صورت، اینها سیاست هایی از صحرا هستند و چگونه می خواهیم این افراد را توصیف کنیم؟ چگونه می خواهیم ساکنان صحرا را توصیف کنیم؟ بیشتر روستایی، این را به معنای تحقیرآمیز نمی گویم، اما آنها روستایی تر، تا حدودی عقب مانده تر، کمی محافظه کارتر هستند، شاید بتوانیم بگوییم که آنها کسانی هستند که راه پدران یا سنت های پدران را حفظ می کنند. و ما نمونه های بیشتری از این نیز داریم.

در فصل ششم کتاب داوران، درباره مدیانیان می خوانیم که مانند دسته ای از ملخ ها می آیند و همه چیز را در اسرائیل می بلعند. در واقع، به نظر می رسد که آنها اسرائیل را از دره اردن تا ساحل و غزه کنترل می کنند. و در فصل بیستم کتاب دوم تواریخ، در زمان پادشاه خوب، یهوشافاط، می بینیم که مردم بیابان به اسرائیل حمله می کنند و سعی می کنند مخفیانه به اورشلیم حمله کنند.

بنابراین، اینجا جایی است که صحرا از نظر سیاسی بر اسرائیل تأثیر می‌گذارد. بنابراین آنچه در این سرزمین اسرائیل دارید، این الگوی آب و هوایی منحصر به فرد است، و همچنین مردمی را دارید که یا از صحرا یا از اقیانوس می‌آیند، و شما همچنان این درگیری را در اسرائیل از این تعاملات سیاسی و فیزیکی شاهد هستید. اما این همه ماجرا نیست.

شما دشمنان دیگری برای اسرائیل دارید که در فاصله دورتری قرار دارند، قدرت‌های بین‌المللی. نگاهی به نقشه بیندازید و درست در مرکز، جایی که اسرائیل قرار دارد، نگاه کنید. توجه کنید که چگونه این یک گذرگاه بین ملت‌ها، مسیری بین قدرت‌های مختلف در شمال و جنوب، شرق و غرب است.

اینجا، مصر را دارید. مصر همیشه تأثیر زیادی بر سرزمین اسرائیل داشته است. و در شمال، در این منطقه از بین‌النهرین، ملت‌های مختلفی وجود دارند که فشار زیادی بر اسرائیل وارد می‌کنند.

آشور در شمال بین‌النهرین، و همچنین بابل در جنوب بین‌النهرین در منطقه عراق. و سپس حتی دورتر در شرق، امپراتوری ماد-پارس، که امروزه با سرزمین ایران مشخص می‌شود. و در غرب، یونان را دارید، که قبلاً به آن اشاره شد، مردمی که از یونان آمده بودند، و اسکندر کبیر مهم‌ترین آنها بود.

و سپس، حتی دورتر در غرب، روم را داشتیم که آمد و بر سرزمین اسرائیل تأثیر گذاشت. جالب اینجاست که روم از نظر سیاسی بر اسرائیل تأثیر گذاشت، اما به یاد داشته باشید، پولس انجیل را به روم برد و شما نیز تأثیر معکوس دارید. اما توجه کنید که چگونه اسرائیل درست در مرکز همه این قدرت‌ها، همه این قدرت‌های بین‌المللی قرار دارد.

و حتی امروز هم همینطور است. ما اسرائیل را در میان طیف وسیعی از کشورهای اسلامی داریم، از ترکیه در شمال، مصر در جنوب و غرب. اردن و عراق و ایران را در شرق داریم.

و حتی امروز، از نظر سیاسی، می‌بینید که اسرائیل سرزمینی بین است، نه فقط سرزمینی بین دریا و صحرا، بلکه سرزمینی بین اکثریت‌های مسلمان بین‌المللی که اسرائیل را احاطه کرده‌اند. خب، جالب اینجاست که خداوند از دشمنان بین‌المللی و همچنین دشمنان محلی برای تنبیه اسرائیل استفاده می‌کند، که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم. در دوم تواریخ فصل ۱۲، پس از مرگ سلیمان، رحبعام، پسرش، پادشاه می‌شود.

رحبعام حدود چهار سال قدرتمند بود، اما پس از آن بسیار مغرور شد. و برای تنبیه او، برای تأدیب او و ملت، خداوند شیشق، پادشاه یا فرعون مصر را فرستاد تا به سرزمین اسرائیل حمله کند، تا جایی که حتی اورشلیم نیز تصرف شد. و این در دوم تواریخ، فصل ۱۲ به ما داده شده است.

اما ملت‌های دیگر نیز به عنوان مجازات علیه اسرائیل می‌آیند. در دوم پادشاهان، فصل ۱۷، درباره آشوریانی می‌خوانیم که وارد می‌شوند و پادشاهی شمالی را نابود می‌کنند. و دوم پادشاهان، فصل ۱۷ دلیل آن را بیان می‌کند، و آن این است که مردم بی‌وفا شده بودند.

و البته، بابل وجود دارد که وارد می‌شود و پادشاهی جنوبی را از بین می‌برد. و ما می‌توانیم در این قسمت‌ها در مورد آن بخوانیم. ارمیا، که در فصل ۵ به این موضوع توجه می‌کند، و سپس فصل بسیار بسیار غم‌انگیزی در دوم تواریخ، فصل ۳۶ که سقوط اورشلیم به دست نبوکدنصر را مورد بحث قرار می‌دهد.

ایران کشوری است که در زمان عزرا و نحمیا بر اسرائیل تأثیر می‌گذارد. و سپس یونان را داریم که در دوره بین دو عهد حضور دارد. و در نهایت، همانطور که اشاره کردیم، روم در دوره عهد جدید

خب، سوال اینجاست. با توجه به ماهیت ناامن سرزمین اسرائیل، چرا خدا آنها را به آنجا آورد؟ چرا آنها را به ملتی یا مکانی که کمی امن‌تر است، نیاورد؟ نقل قول جالبی از گلدمایر. او می‌گفت وقتی موسی قوم اسرائیل را از مصر بیرون آورد و آنها از اردن عبور کردند، از دره ریفت به سمت شرق عبور کردند، باید به جای شمال به سمت جنوب می‌چرخیدند.

آنها باید به جای اینکه به راست بپیچند، به چپ می‌پیچیدند. و مفهوم ضمنی این است که حداقل اگر موسی به جای شمال به جنوب می‌رفت، آنها به جایی می‌رفتند که می‌توانستند مقداری نفت به دست آورند، برخلاف آنچه اکنون دارند. به هر حال، پاسخ این سوال که چرا خدا آنها را با وجود طبیعت ناپایدار آن سرزمین به آنجا آورد، در ادامه آمده است.

اسرائیل، و این نکته‌ای است که باید در نظر داشت، میدان آزمایش ایمان است. و این از دوست خوبیم جیم مانسون است که در کالج دانشگاه اورشلیم تدریس می‌کرد. این میدان آزمایش ایمان است.

برای زندگی در آنجا باید به خدا وفادار بود. باید دائماً برای باران به خدا توکل کرد. قبلاً به این موضوع اشاره کردیم.

برای غذا، که از باران کافی حاصل می‌شود، و برای محافظت در برابر دشمنان. خداوند قول می‌دهد که اگر به او وفادار باشند، آنها را از دشمنان محلی و بین‌المللی محافظت خواهد کرد. و باز هم، برای نشان دادن چگونگی وقوع همه اینها، که قبلاً خوانده‌ایم، به تثنیه، فصل ۷ و فصل ۱۱ مراجعه می‌کنم.

بنابراین، به نقشه برگردیم و به این منطقه از نقشه که ما آن را اسرائیل می‌نامیم نگاه کنیم. ممکن است این مکان انتخاب ما نبوده باشد، اما مطمئناً انتخاب خدا برای زندگی بنی‌اسرائیل به دلایلی که ذکر کردیم، بوده است. این دوباره میدان آزمایش ایمان است.

و با این مقدمه، این سخنرانی را با بحثی درباره اسرائیل به عنوان «سرزمین بینابین» به پایان می‌رسانیم.